



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران  
پنج‌شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ - ۲۰ شوال ۱۴۴۴  
سال بیست‌وپنجم - شماره ۶۷۵۲ - ۱۶ صفحه  
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

سر مقاله  
غلامرضا صادقیان

## خلق کتابخوان

### حلق می‌خواهد نه لقمه!

نمایشگاه کتاب تهران امسال هم برپا شد؛ لقمه‌های آماده از آشپزهای ناشی و از روی دست‌هم پخت‌وپز کن! آن‌وقت نگرانیم چرا کسی کتاب نمی‌خواند! مگر کسی کتاب نوشته است؟! این پخت‌وپزها به قاعده حلق کتابخوان نیست. مردمانی که غذای خوب نخورند، حلق‌شان هم تنگ و تنگ‌تر و سرانجام بسته می‌شود! کتابخوان را اول حلقی باید و بعد لقمه‌ای. اگر نوشته‌ها از روی دست خالق نباشند و از روی دست هم نویسیم، حلق خواننده را بسته‌ایم و داستان ما می‌شود تقابل انبوهی از کتاب‌های روان‌شناسی و انگیزشی و خودشناسی که هر سال نمایشگاه‌ها و کتابفروشی‌های جهان از آن پر می‌شود، با انبوهی از مردمان افسرده و پژمرده کدام‌یک علت دیگری است یا هر دو علت و معلول یکدیگرند؟! «ای دروغا عرصه افهام حلق/سخت تنگ آمد ندارد خلق، حلق لقمه‌بخشی آید از هر کس به کس/حلق‌بخشی کار بزدان است و بس!/حلق جان از فکر تن خالی شود، آنکشان روزیش اجلائی شود»

نمایشگاه کتاب که می‌روی، باید متخصص آن باشی که چه کتابی نخوری و چه کتابی بخوانی! سه دسته کتاب نخواندنی داریم. اول آن کتابی که خواننده را از رئالیسم حیاتش دور و او را خیال‌اندیش و پریشان می‌کند. تا آنجا که بسیاری از مردمان ساده و عامی که کتاب نمی‌خوانند، حیات‌شان و حال خوب‌شان کوتاه و سرزندگی و صفای‌شان حسرت کتابخوانی افسرده‌دهام می‌شود. کتابخوان‌هایی که تصویری اینچنین از آنان داریم، در اتافی در بسته، زیر نسوری کهرمقی، یا خود دیگران قهر آلود، برای خود و برای دیگران نامفید، سسقف امیدشان کوتاه و سرزندگی ابراز اولام و دود و دم!

دسته دوم از کتاب‌هایی که نباید خواند، آن مجموعه‌های اوراقی است که ساخته شده تا رزومه شود؛ بداه حال ما که گرفتار این وضعیت شده‌ایم. طرف مدیر دولتی و نماینده مجلس و شخصیت سیاسی و یک مقدمه و اجتماعی و مدیر شرکت خصوصی است، همه چیز دارد از شاسی بلند تا مخرقات مناسب برای محتویات رزومه‌ها اما کتاب ندارد، لاجرم کتاب می‌سازد و می‌دایم چگونه لعنت کتابخوان‌ها بر این دسته از افراد نیندگان آثار لقمی!

دسته سوم بی‌فایده‌ها کتاب‌هایی است که کاملاً با یک هدف تجاری محض تولید می‌شود. این دسته گسترده‌تری زیادی دارند. از کتابی که کل آن چند ترانه و غزل است و با تصویرسازی و یک مقدمه و اضافه کردن صفحات سفید به عنوان بخشی از گرافیک صفحه‌آرایی، یک کتاب جیبی می‌شود اما با قیمت بالا، تا کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان که کل محتوای کتاب، فرصتی از یک نوجوان جز چند دقیقه که آن را ورق بزند، نمی‌گیرد تا کتاب‌هایی که بخشی از یک اثر پرشمارگان قدیمی مثل دیوان شاعران و رمان‌های معروف را با عنوان «گزیده» اما به انتخاب یک چهره شهره که شاید اصلاً در این فرآیند گزیده‌چینی دخالتی نداشته منتشر می‌کنند. افراد معروفی که فقط پول گرفته‌اند تا نامشان روی این تولید بازاری کتاب بنشیند! این نمونه کتاب‌ها که برای فعالان بازار کتاب فقط فرصت در آمدزایی ایجاد می‌کند، فهرستی طولانی دارد.

جای تأسف است که سه دسته کتاب‌خواندنی مذکور حجم اصلی تازه‌های انتشار هر سال را در برمی‌گیرد، و اگر عمیق نگاه کنیم متوجه خواهیم شد که این تعداد و تکرر عنوان‌های تازه‌ها، خود ممانعی برای گسترش کتابخوانی شده است. این گونه است که فقط پول گرفته‌اند تا نامشان روی این تولید بی‌خبر در حوزه کتاب می‌بزند، هیچ‌گاه به خوانندگان، «حلق» نمی‌دهد و بسا مشتاقان کتاب و کتابخوانی که هر سال گرسنه و رنجور از نمایشگاه‌های کتاب بازمی‌گردند تا سالی دیگر که مطابق روند سال‌های اخیر، سه آسیب مذکور افزون‌تر شود!

# کتاب علیه کتابخوانی!

محمدصادق عابدینی - نمايشگاه کتاب تهران بر خلاف نمايشگاه‌های تأثیر گذار کتاب در جهان، یک رویداد فرهنگی صرف نیست و شبیه به فستیوال‌های محلی است که مردم برای گذران اوقات فراغت و دورهمی‌های خارج از محیط‌خانه به آنجا سر می‌زنند و در کنار گشت و گذار از میان غرفه‌های کتابفروشی‌ها، سری هم به غرفه‌های تغذیه‌فروشی‌ها می‌زنند تا کتاب و کباب را در کنار هم داشته باشند. افرادی که برایشان فرقی میان قهوه‌خانه‌های فرحزاد و نمايشگاه کتاب وجود ندارد در این ۱۰ روز فرصت دارند برای تفریح و تفرج به جمع اقلیت کتابخوان وارد شوند و حجم سیاهی لشکر نمايشگاه را پررنگ کنند | صفحه ۱۶



نمایشگاه کتاب تهران افتتاح شد اما نمايشگاه‌های ۳۰۰ تا ۵۰۰ تایی نشان می‌دهد که ما خودمان را معطل کرده‌ایم! | عکس: مرضیه موسوی - ایرنا

## کتاب تاریخی در تنگنای رونویسی از یکدیگر

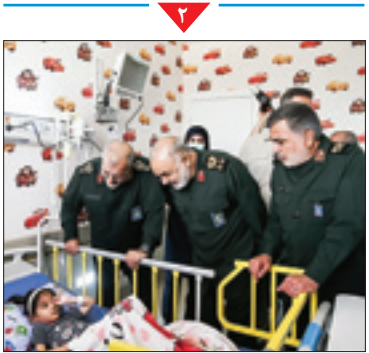
### محمد رضا کاتینی/دبیر تاریخ

آنان که عمری را در دل‌اندگی به کتاب‌سپری کرده‌اند، بیش از دیگر افشار جامعه، از حال و روز کنونی این موجود عزیز آگاهند. کتاب در این روزها، مخصوصاً در سطح پژوهش‌های کلان و بنیادین، مجال و روز خوب و به قاعده‌ای ندارد. این را از تیراژ آن عرضه شده - که صرفاً بازار چاپ‌های محدود دیجیتال را گرم کرده - و ایضا فروختن خلق الله در مطالب موجز و البته عمدتاً رطب و یابس شبکه‌های اجتماعی می‌توان دید. به عبارت دیگر در میان مردم، مطالعه‌های خوبی‌ها را به تفریح و تفریح داده است و کمتر می‌توان از بی جویی مقولات اساسی سراغ گرفت. هم از این روی بر این باورم که عوام و خواص، هرگز نمی‌بایست فریب تعداد بازدیدکنندگان از نمایشگاه سالانه کتاب را بخورند و لاجرم برای حل این معضل، باید تدبیری بیندیشند.

با این همه به نظر می‌رسد که در چنین شرایطی نیز گونه‌هایی از کتاب‌ها، باز نسبت به سایر پژوهش‌ها حواله‌های بهتری دارند. در این میان تحقیقات تاریخی به ویژه آنان که روایت تاریخ معاصر ایران را در دستور کار دارند از اقبالی‌تیش برخوردارند. این حالت هنگامی افزون می‌شود که این آثار حاوی ناگفته‌ها باشند، یا در خود تصاویر پدید آمده است و اسناد و اوراق و یافته‌ها را به مخاطب هدیه کنند. این ادعا در باب اقبال به مطالب تاریخی در شبکه‌های اجتماعی نیز صادق است و بعین می‌توان آن را مشاهده کرد. برای توجه کنونی به تاریخ، دلایل متنوعی می‌تواند وجود داشته باشد. گذشته از جاذبه ذاتی، مهم‌ترین آنها این است که بخش مهمی از مواقع فرهنگ، سیاست و اقتصاد، ججا یا بیجا، به تاریخ، ارجاع یا با آن توجیه می‌شود.

در آثار تاریخی ما نیز اما، حلال‌خالی متفاوتی می‌توان یافت. نخست اینکه تاریخ پژوه شدن و به این عنوان در رسانه‌های رسمی و از آن بیشتر شبکه‌های اجتماعی اظهار لحنیه کردن، پس آرزو و آسان می‌نماید. از این روی در سالیان اخیر، شاهد تولید انبوه افرادی با این صفت بوده‌ایم تاریخ پژوهی به خواندن چند کتاب و در نهایت ارائه گزارشی ناقص و حتی کامل از مطالب آنها نیست، بلکه به برخورداری از قدرت اجتهاد تاریخی و شناخت مستقل سره از ناسره است، امری که در به اصطلاح تاریخ نگاری‌های امروز در حکم کیمیاست. مشکل دوم، رونویسی فزاینده این آثار از یکدیگر است. اگر کسی چند اثر در موضوعی واحد را بتبع و آنها را مطالعه کند، معمولاً در می‌یابد که یکی مرجع بقیه است و مازاد بر هم، چیزی برای عرضه نداشته و ندارند. معضل سوم متروک ماندن برخی از مقولات مهم تاریخی است، که کمتر کسی به سراغ آنها رفته و از قضا تصور می‌رود که درباره آنها به حد کفایت گفته و نوشته شده است. وقایع دوران مشروطیت، نهضت ملی و انقلاب اسلامی، در زمره این حوزه‌های پژوهشی هستند. امروزه اگر گرایش‌مندان به گفتمان دینی و ملی، خواهند به مخاطبان آثار در خور اطمینان و کمتر دچار فضا سازی‌های رایج معرفی کنند، دشوار بتوانند عناوین متنوعی را به خاطر بیاورند. آنچه بدان اشارت رفت، تنها گوشه‌ای از آفات و تهدیداتی است که می‌تواند چراغ پر فروغ کتاب را که پیشینه‌ای بی بدیل در این دیار دارد به تیرگی دچار سازد و راه را بر رونق آن ناهموار سازد و چینی‌ها را کمزور سازد.

نشر آثار تاریخی در حلقه ترکیبی در کمین ایران قوی رسانه انقلاب در کمین ایران قوی نشر ارتباطات در حلقه ترکیبی



## بهره برداری

### از ۳ طرح زیرساختی سپاه در سیستان و بلوچستان

سردار سلامی: عزم همه ارکان نظام تأمین امنیت و رفاه مردم است

## حذف آینده دانش آموزان در نظام آموزشی طبقاتی

رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی در گفت‌وگو با «جوآن»: برخی شاید بگویند ضعف بخش دولتی ربطی به رشد مدارس غیردولتی ندارد، اما وقتی سیاست‌ها به سمت غیردولتی کردن آموزش باشد، ناخودآگاه به بخش دولتی بی‌توجهی می‌شود

## «نه» بازار

### به کار مزد کار تخوانی

گزارش میدانی «جوآن» از واکنش خرده‌فروشان به دریافت کار مزد کار تخوان‌ها  
یک فروشنده: وقتی هزینه‌های خدمات دهی و تولید برای ما هم گران می‌شود، در گام نخست مجبور به تعدیل نیرو هستیم. در نتیجه دولت با یک تیر دو خطا کرده است؛ یعنی اینکه هم هزینه تولید و خدمات را گران کرده و هم به اشتغال‌زایی او وارد کرده است

## موج اول انتقام غزه با شلیک صدها راکت به اراضی اشغالی

## استحاله مفهوم لذت در سقوط جایگاه کتاب

ایمان شعبان زاده/پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس  
یکی از تقاطع‌های اصلی دو جریان لذت و تفکر، ساخت کتاب و کتابخوانی است. ما کتاب نمی‌خوانیم چون دیگر برای ما لذت بردن معال آرایش و تأمل نیست. در روزگار زبستی می‌کنیم که مفهوم لذت به شدت مادی، گذرا و شرحه شرحه شده و دیگر لذت، منادی آرایش و تسلی بخش روح و روان نیست. این روزها در هر جغرافیای متصور، کسی را نخواهید یافت که در معرض بیماران شبکه‌های مجازی، رسانه‌های تبلیغاتی و پروپاگاندی مصرف و تناول نباشد. اما به راستی، لذت حقیقی باید بر جان ببینند یا بر جسم؟ آیا قرار نبود هر محملی برای لذت‌اندیشی باشد؟ آیا به راستی معنای لذت مصرف‌گرایی و تسلی خاطر پایدار و سازنده باشد؟ آیا می‌شود نوبد بخش آرایش و تسلی خاطر پایدار و سازنده باشد؟ آیا می‌شود مصرف‌گرایی و تسلی خاطر پایدار و سازنده باشد؟ آیا به راستی معنای لذت دجار استحاله تاریخی نشده؟ پاسخ بسیاری از پرسش‌های فوق را می‌توان در سبک زندگی بشر کنونی جست‌وجو کرد. در عصری که همه چیز در دین و کلیت کردن و معجز کردن و سبزه کردن می‌گذرد، اساساً عنصر آرایش و تأمل جز عناصر سازنده لذت نیست. این روزها لذت یسان یک کلام مصرف می‌شود. در چنین شرایطی لذت دیگر واجد عنصر تأمل و تکامل متعاقب نیست. به قول هایدگر، فیلسوف قرن بیستم، «اندیشه برهنه‌تر از تیر امر در زمانه اندیشه‌پرانی‌ها مان می‌آید که ما هنوز دوست نداریم». و به فکر نمی‌کنیم چون شادای و رضایت برای ما سهیل الوصول، سطحی و دمدمستی شده است. ما به «مصرف» به «عصور» عادت کرده‌ایم! این سبک زندگی مصرف‌مندان و مادی‌گرایان، از ادبیات لیبرال و سبک زندگی کتاب و کتابخوانی در زبست روزمره بسیاری از شهروندان است. مسئله این است که ما دیگر از خواندن لذت نمی‌بریم. لذت نمی‌بریم چون اندیشیدن و تأمل کردن بر ایمان سخت و بعضاً محال شده و بدتر از آن، دیگر نیازی به اندیشیدن و مطمئنانه در زبست روزمره ما احساس نمی‌شود. کتاب و کتابخوانی پرچم یک سبک زندگی و یک جهان‌بینی خاص است. مسئله فقط تفرق روزانه چند کتاب یا تعداد دقیق مطالعه نیست. خطر بسیار بزرگ‌تری در کمین ماست، که از رهگذار سقوط جایگاه کتاب در جامعه، هودیا می‌شود. جامعه‌ای که کتاب نمی‌خواند، جامعه‌ای است که دیگر نمی‌اندیشد، دیگر خلوت ندارد و زیست‌شهروندی‌اش ناپایدار، سطحی و قابل‌بیماران با هزاران رسانه و ابزارهای خرد و کلان تبلیغاتی است. بخوانیم و بیندیشیم و لذت ببریم قبل از اینکه ما را بپوشند و مصرف شویم. در همین راستا مراجعه به سخن امیرمؤمنان، در اهمیت کتاب و کتابخوانی و پیوند این مسئله با ماهیت آرایش و لذت بشری، قابل تأمل است. ایشان می‌فرمایند: «هنر تئلی باکتب لم تفتنه سلوه»، هر که با کتاب آرایش یابد، هیچ آرایش‌بخشی را از دست ندهد! است!

## علی بن ابی طالب به شما یک دقیقه وقت ملاقات داده است

### حسن فرامرزی/دبیر گفت‌وگو

علی بن ابی‌طالب به شما یک دقیقه وقت ملاقات داده و در آن وقت جمله‌ای به شما خواهد گفت. اگر زمین و زمان اجازه تحقق چنین صحنه‌ای را می‌داد چه می‌کردید؟ رنگ تان می‌پرید؟ نیش قلب می‌گرفتید؟ سرخ می‌شدید؟ دست و پاتان را گم می‌کردید؟ اگر مولانا وقت ملاقاتی به شما می‌داد و قرار بود به محضر او برسید چه عکس‌العملی نشان می‌دادید؟ امکان دیدار با حافظ چقدر برایتان حیرت‌انگیز است؟ امکان دیدار با سهروردی، سعدی یا هر دانشمند، فیلسوف، شاعر و حکیمی که شیفته افق‌های روحی او هستند. سخنان امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه است و هر حکمتی را که می‌خوانید انگار در محضر او نشسته‌اید. دوست دارم «انگار» را حذف کنم چون واقعاً در محضر او نشسته‌اید و آن که راه‌های ملکوت را بهتر از راه‌های زمین می‌شناسد، با شما سخن می‌گوید: «الذکر یخلق الابدان و یجدد الاموال / امروز گان بدن‌ها را کهنه و آرزوهارا نو می‌کند.» وقتی به محضر امام می‌رفتید و او چنین سخنی به شما می‌گفت آیا چنین نبود که یک عمر این سخن را به عنوان یک رهنمود اختصاصی، آویزه ذهن و روان و گوش و هوش خود می‌گردد که امام به من، به خود من چنین سخنی گفت؟ ما چه ساده‌ویی اعتنا از فرصت‌های رایگان دیدار با بزرگان در گفته‌های آنان که تجلی و ظهور انوار وجودی آنها در قالب کلمات در کتاب‌هاست عبور می‌کنیم. ما ظاهر کتاب می‌خوانیم اما در باطن بر بال آن ارواح بزرگ و آینه‌های وسیع و بی‌گروه به سیاحت دانی و زیبایی می‌رویم. مادر کتاب‌ها بزرگان مان دیدار می‌کنیم. همچنان که دکتر حسین الهی قمشه‌ای در مقدمه کتاب «سیدشصت‌ویز روح‌زاسعدی» این عبارات جان‌انگیز و منقدق‌دهنده را در این باره آورده است: «عالمه مردمان مشتاق دیدار انسان‌های بزرگانند و اگر دقایقی چند از نزدیک دانشمند یا شاعر یا حکیم بزرگی را ببینند یا با او صحبت کنند همه عمر از آن به افتخار یاد می‌کنند و اغلب آرزو دارند که ای کاش ما در زمان فلان حکیم یا شاعر یا قدیس یا پیامبر می‌بودیم و از نزدیک با او صحبت می‌ناشدیم و گاه از رسیدن به حضور بزرگان با لفاظ باشکوه مانند بار یافتن و افتخار حضور داشتن یاد می‌کنند، در حالی که انسان‌های بزرگ خود در آن اتاقک‌های کوچک که قفسه کتاب نام‌دار در انتظار ایستاده‌اند تا به حضور هر کس که ایشان را راه دهد بار یابند و آدمیان اغلب به سبب اشتغالات باطل و از حاد تعلقات خاکی فرصتی برای دیدار با ایشان ندارند.»

احتمالاً بارها در رسانه‌ها دیده‌اید یا خوانده‌اید که ما از دست‌اندازی کشورهای همسایه به میراث فرهنگی و معرفتی این سرزمین و مصادره به مطلوب بزرگان مان چگونه برآشفته‌ایم و اعتراض کرده‌ایم که چرا مولانا را به نام خودتان تمام می‌کنید؟ یا شما حق مصادره نظامی را ندارید اما کلامان را قاضی کنیم، چه کسی این میراث عظیم را مسکوت گذاشته است؟ ما یا دیگران؟ این ما هستیم که غفلاته سر گنجی چنین شایگان و عظیم‌نشته‌ایم، البته که می‌توانیم توجهات درازدامنی بتراشیم و بگوییم روزمرگی زندگی امروز، اشتغالات متعدد، فکر پریشان، معیشت‌لنگ و اقتصاد آشفته اجازه مطالعه را از ما گرفته است اما می‌توان به این احتمال هم اندیشید که شاید ما مسئله را وارونه نگاه می‌کنیم: اتفاقاً ما چون با کتاب و مطالعه بیگانه شده‌ایم چون وقتی به دانی می‌عمیق و چندلایه نمی‌نهمیم، چون از دالان تاریک توهم دانی و عقل کل بودن عبور نمی‌کنیم درگیر این روزمرگی افسار گسیخته شده‌ایم. درگیر این معیشت‌لنگ و فکر پریشان و اقتصاد آشفته و اولویت‌هایی که در سبند زندگی ما معکوس شده است!

کتاب‌های انتشارات روزنامه جوان  
Book.icfi.ir  
برای خرید اینترنتی اسکن کنید  
با تخفیف ویژه و ارسال رایگان  
تنبیه کنید  
بسیستم تا سی‌ام اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

رسانه انقلاب  
در کمین ایران قوی  
قدرت ارتباطات در حلقه ترکیبی

کاشانه  
شرايط خاصي «آنان را درک کنیم»  
صفحات ۱۰۹، ۸، ۷